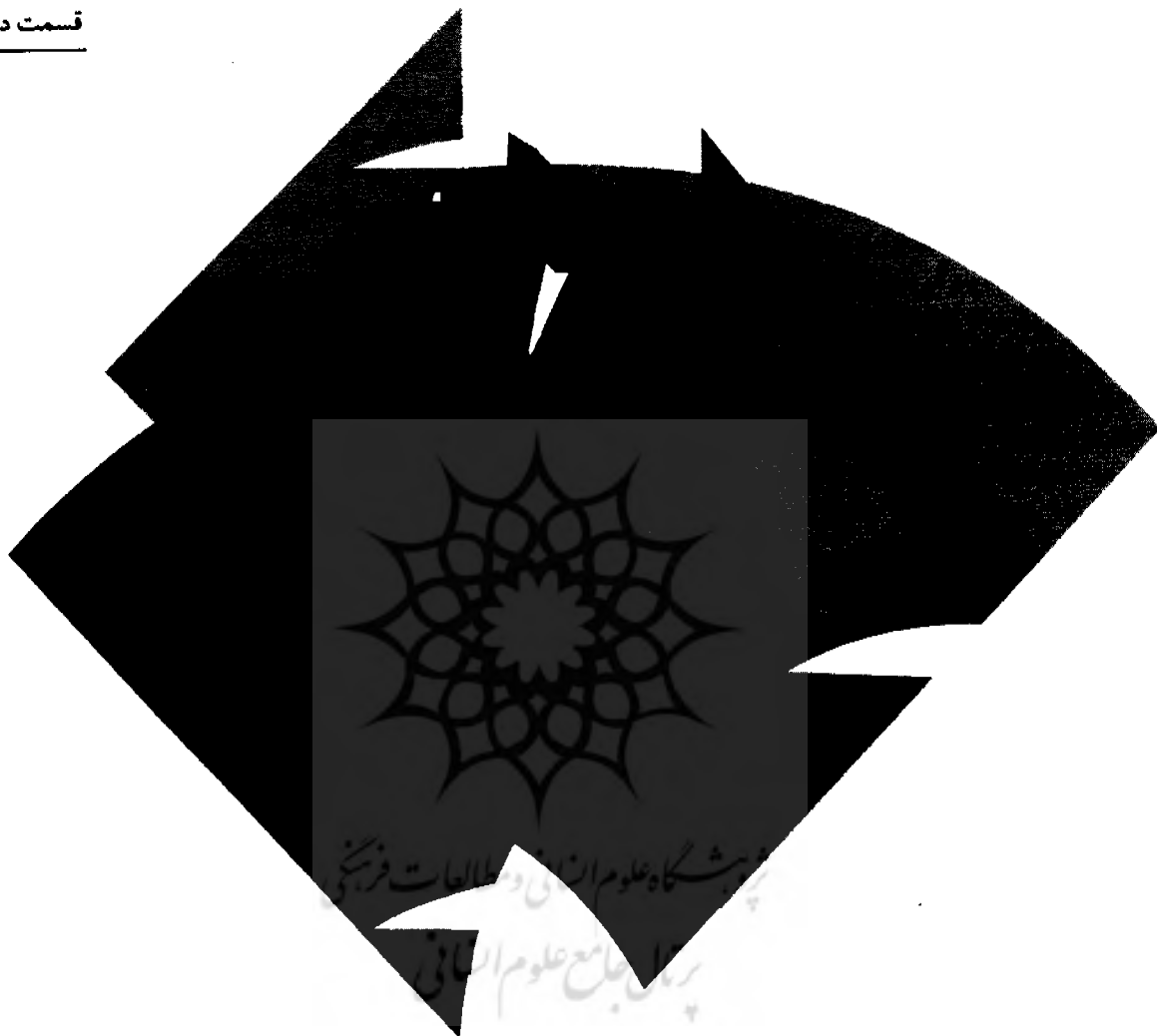


حقوق متهم در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی در نظام کیفری ایران

قسمت دوم



تحقیق مذکور در این قانون نسخ و حذف شده است همچنین دادرس دادگاه عمومی جزایی، انقلاب یا کیفری استان با توجه به تبصره ۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ ذیل ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب صرفاً در جرایم مخصوصه^۱ در این تبصره از ابتدای (تحقیقات) تا صدور حکم را بر عهده داشته و مشمول مفاد ماده ۳۹ مذکور می‌شوند در غیر این صورت مفاد این ماده شامل قضات تحقیق دادسرا (دادستان، دادیار یا بازپرس) می‌شود. حقوق و امتیاز متصوره در این ماده برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا این است؛ الف) قاضی تحقیق دادسرا

علاوه بر این قرار بازداشت موقت صادره باید حاوی نکات ذیل نیز باشد؛ مستدل باشد، دارای توجیه و استناد قانونی باشد و حتماً بنا به دلایل متقن و قابل توجه صادر شده باشد. (البته در مبحث سوم به تفصیل راجع به این قرار و حقوق متهم بحث می‌شود).
۴- ماده ۳۹) «دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی‌طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند.» لازم به ذکر است که با توجه به اصلاحات مهرماه ۱۳۸۱ و ایجاد دادسرای عمومی و انقلاب امر تحقیقات بر عهده قضات دادسرا قرار گرفته و قاضی

- تبصره ۳ اصلاحی ماده ۳ اصلاحی: «پرونده نهایی که موضوع آنها جرائم مشمول حد زنا و لواط است، همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می‌باشد و جرایم اطفال مستقیماً در دادگاه‌های مربوط مطرح می‌شود مگر آن که به تشخیص دادستان تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد.»

شوند مگر با اجازه متصرف قانونی.»

قاضی دادسرا در جریان تحقیقات مقدماتی می‌تواند دستور تفتیش و بازرسی از منازل و اماکن را صادر کند که این امر غالباً توسط ضابطین دادگستری انجام می‌شود لکن بر اساس صدر ماده فوق متهم حق دارد هنگام تفتیش یا بازرسی در محل حضور یابد و نظاره‌گر این امر باشد بنابراین ضروری است تا دستور قاضی به متهم نیز ابلاغ شود تا در صورت تمایل در محل تحقیق حاضر شود. حتی اگر متهم در بازداشت باشد تصمیم قاضی به وی در داخل بازداشتگاه ابلاغ و اعلام می‌گردد و در صورت تمایلش تحت الحفظ به محل تفتیش یا بازرسی آورده می‌شود.

۹- ماده ۱۰۴ «در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات دستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذی‌ربط اطلاع می‌دهد که اشیا فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند. بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می‌نماید. استنکاف متهم از امضاء در صورت مجلس قید می‌شود و چنانچه اشیاء مزبور حایز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود.»

نکات قابل توجه در این ماده عبارتند از اینکه؛ کلیه مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری که مربوط به متهم می‌باشد پس از توقیف بایستی نزد متهم و در حضور وی مورد بازرسی و یا ملاحظه قرار گیرند همچنین کلیه فعل و انفعالات در این زمینه باید مکتوب و صورت مجلس شود و به امضای متهم نیز برسد که البته امضای این صورت‌مجلس توسط متهم اختیاری است و نمی‌توان متهم را مجبور به امضا کرد لذا در صورت عدم امضای صورت‌جلسه توسط متهم صرفاً استنکاف وی قید می‌شود و آخرین نکته اینکه اگر هیچ لزومی به توقیف یا ضبط و نگهداری اشیای فوق نباشد به متهم تحویل و مسترد می‌شود.

۱۰- تبصره ماده ۱۲۳ «ماموران مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند و در صورتی می‌توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از ۲۴ ساعت بدون اجازه مقام قضایی ندارند.» مفاد ماده ۱۲۳ تصریح دارد که متهم از زمانی که برگ جلب به وی ابلاغ می‌شود تا هنگامی که قرار است نزد قاضی حضور یابد بایستی تحت نظر و محافظت باشد و تبصره ذیل ماده فوق نیز حق متهمی که جلب می‌شود را حضور فوری و بدون فوت وقت در حضور مقام قضایی می‌داند. بنابراین متهمی که جلب می‌شود را نمی‌توان تحت نظر و در بازداشت و توقیف قرار داد و در هر صورت اگر لازم و ضرورتی اقتضا کند که نیاز به نگهداری متهم مجلوب نماید این مدت توقیف از ۲۴ ساعت بیشتر نمی‌تواند باشد، اما با دقت در قسمت آخر این تبصره این سوال پیش می‌آید که در این صورت یعنی نگهداری بیش از ۲۴ ساعت آیا با اجازه و دستور مقام قضایی بدون صدور قرار تأمین لازم ممکن است؟ زیرا هم قانون اساسی و هم مقررات بین‌المللی در این زمینه دستورالعمل‌های خاصی دارند. زیرا قاضی تا قبل از تفهیم اتهام و صدور قرار تأمینی که منتهی به بازداشت متهم شود صرفاً با اذن یا اجازه یا دستور مگر می‌تواند متهمی را در توقیف نگه دارد در هر

در امر تحقیقات بی‌طرفی را در جمع‌آوری دلایل و شواهد ارتکاب جرم رعایت کند و ب) صرفاً در بررسی و امر تحقیق به دلایل و شواهد علیه متهم توجه نکند بلکه علاوه بر آن در مسیر تحقیق هر گونه دلیل، شاهد، یا اوضاع و احوالی که به نفع متهم نیز می‌تواند باشد مورد توجه قرار گرفته و در پرونده معکوس و در تصمیم‌گیری مدنظر قرار گیرد.

۵-مبحث دوم از فصل دوم باب اول قانون آیین دادرسی کیفری موضوع «رد دادستان و قضات تحقیق» می‌باشد که مواد ۴۶ تا ۵۰ را به خود اختصاص داده است. بر اساس ماده ۴۶ این مبحث در صورت وجود یکی از موارد شش‌گانه ذیل این ماده متهم می‌تواند قاضی را رد کند و تقاضای ادامه تحقیق توسط قاضی دیگری را درخواست کند. نکته قابل توجه این است که مفاد ماده مذکور راجع است به سیستم دادگاه‌های عمومی و ماده ۵۰ نیز چگونگی رد قاضی تحقیق را بیان داشته است و با توجه به اصلاحات مهرماه ۱۳۸۱ و ایجاد نهاد دادسرا شیوه رد دادیار یا بازپرس و دادستان مشخص و معین نشده است در هر صورت ضروری است مقررات رد قضات دادسرا نیز در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مدنظر قرار گیرد.

۶-ماده ۷۸ «معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خیره مورد وثوق قاضی، انجام می‌شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند لکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود.»

معاینه و دیدن محل وقوع جرم و تحقیق عینی از آن در سیستم فعلی حسب دستور مقام قضایی دادسرا (دادیار یا بازپرس) انجام‌پذیر می‌باشد و متهم حق دارد تا در زمان معاینه محلی در محل مورد نظر حضور یابد و کسی یا مقامی حق ندارد از این امر ممانعت به عمل آورد بنابراین این حضور و حق حضور متهم مستلزم آن است که دستور معاینه محلی که توسط مقام قضایی صادر می‌شود و زمان آن به طور دقیق به متهم نیز اعلام و ابلاغ گردد تا متهم بتواند از این امتیاز پیش‌بینی شده در قسمت آخر ماده فوق‌الذکر بهره‌مند شود اگرچه عدم حضور متهم مانعی در جهت انجام معاینه محلی نیز تلقی و محسوب نمی‌شود. بنابراین بر فرض اگر بازپرس دستور حضور کارشناس یا کارشناسانی را جهت بررسی محل و چگونگی وقوع جرم در محلی که جرم واقع شده است را صادر کند این دستور به متهم نیز اعلام می‌شود

۷- ماده ۹۱ «شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند می‌توانند به نظریه اهل خیره اعتراض نمایند. مراتب اعتراض در صورت مجلس قید می‌شود.»

متعاقب حق متهم در حضور در محل و هنگام معاینه مذکور در ماده ۷۸ بر اساس ماده ۹۱ متهم حق دارد تا به نظریه کارشناس یا کارشناسان اعتراض کند و مسوول اجرایی معاینه محلی که مراتب را مکتوب می‌کند موظف است مراتب اعتراض متهم را در صورت‌جلسه معاینه محلی ذکر کند تا ضمن ارائه به قاضی دادسرا حسب مورد تصمیم مقتضی در این خصوص از سوی مقام قضایی اتخاذ شود.

۸-ماده ۹۹ «اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل

صورت این تبصره زمینه بازداشت‌های بدون قرار تامین را هموار ساخته است که ضروری است مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد. ۱۱- ماده ۱۱۷) «قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.»

از حقوق مسلم متهم این است که بلافاصله پس از حضور در نزد قاضی چه موجب آن مسبق به ابلاغ احضاریه موضوع ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری باشد یا جلب موضوع مادتين ۱۱۷ و ۱۱۹ این قانون باشد مورد تحقیق و بازجویی قرار گیرد که در صورت عدم امکان امر تحقیقات مقدماتی حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت الزاماً بایستی قاضی اقدام به تحقیق کند که در غیر این صورت و



است در تبصره مذکور آمده است؛ در موضوعاتی که جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم موجب فساد گردد و در جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق صرفاً با اجازه دادگاه ممکن خواهد بود. بنابر این حق حضور وکیل از سوی متهم در مرحله تحقیقات با توجه به تبصره ماده ۱۲۸ محدود شده است. که البته با لحاظ اصلاحات مه‌رماه ۱۳۸۱ و ایجاد نهاد دادسرا و قضات تحقیق در دادسرا لازم است تکلیف این تبصره نیز مشخص شود زیرا در تبصره به اجازه دادگاه اشاره شده است نه قضات دادسرا.

۱۳- ماده ۱۲۹) «قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم و همچنین آدرس او را دقیقاً سوال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود.»

ماده فوق به نکات و حقوق مهمی در مورد متهم در جریان تحقیقات اشاره دارد که به اختصار به شرح ذیل است:

۱) قاضی تحقیق در هنگام بازجویی و قبل از آن موظف است به متهم متذکر شود که مواظب اظهارات خود باشد. که در واقع قاضی به متهم هشدار می‌دهد تا با توجه و دقت بیشتری به سوالات مطروحه پاسخ دهد.

۲) قاضی تحقیق تکلیف دارد تا اتهام موردنظر به عبارتی موضوع اتهام به جرم منظور را به طور مشخص و واضح و بدون هیچ گونه ابهام یا پیچیدگی به متهم تفهیم کند و به عبارتی به نحوی اتهام را به متهم بگوید که مشارالیه کاملاً بفهمد که اتهام به چه جرمی برای او مطرح است.

۳) علاوه بر آن دلیل یا دلایلی که منجر به متهم شدن وی و بازجویی از او شده است را نیز بایستی به طور روشن و شفاف به متهم گفته شود و بعد از آن قاضی تحقیق را از متهم شروع می‌کند.

۴) کلیه سوالاتی که قاضی تحقیق از متهم به عمل می‌آورد باید روشن و در ارتباط با موضوع اتهام باشد و نباید به نحوی غیر شفاف یا پیچیده باشد که متهم از سوالات سر در نیابد تا نتواند آن را هضم کند که در این صورت ممکن است پاسخ‌ها نیز مفید و به نفع متهم نشود. لذا هر گونه تلقین، اغفال، اکراه یا اجبار در بازجویی از متهم ممنوع و غیرمجاز می‌باشد.

۵) سرانجام آنکه متهم حق دارد در برابر سوال یا سوالات مطروحه در بازجویی سکوت اختیار کند و پاسخ ندهد و به عبارتی سکوت از حقوق متهم است و هیچ مقامی حق ندارد متهمی را به زور وادار به پاسخ کند. لذا سکوت یا امتناع از پاسخ در صورتجلسه تحقیقات منعکس می‌شود.

۱۴- ماده ۱۳۱) «پاسخ سوالات همان طوری که بیان می‌شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد می‌توانند

در بازداشت ماندن متهم (اگر به دستور قاضی تحت نظر و توقیف باشد). در حکم بازداشت غیرقانونی بوده و مرتکب مشمول ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۳۵) خواهد بود که مجازات مقرر در این ماده؛ انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال می‌باشد.

۱۲- ماده ۱۲۸) «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بدانند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.»

با توجه به مفاد این ماده متهمان پرونده‌های کیفری می‌توانند و این حق را دارند که یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را در مرحله تحقیقات مقدماتی با خود همراه داشته باشد که در محدوده مقرر در این ماده اقدامات دفاعی لازم را برای متهم انجام دهد. لیکن این حق بر اساس موارد سه‌گانه تبصره ذیل همین ماده محدود شده

تمامی پاسخ‌ها و جواب‌های متهم به سوالات مقام قضایی بایستی به همان صورت عینا در صورتجلسه یا برگه بازجویی نوشته شود و به هیچ وجه احدی حق تغییر، تبدیل یا تحریف پاسخ‌ها را ندارد و حسب مورد ارتکاب چنین اعمالی تخلف انتظامی یا جرم (جعل مفادی) تلقی خواهد شد. همچنین مطابق قسمت آخر ماده فوق متهمی که دارای سواد باشد این حق را خواهد داشت که جواب سوالات قضایی را شخصا بنویسد.

۱۵- با توجه به مفاد ماده ۱۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که رئیس حوزه قضایی نسبت به پرداخت وجه التزام یا وجه الکفاله یا ضبط وثیقه دستور لازم را صادر می‌کند حسب مورد در موارد التزام و وثیقه حق متهم است که پس از ابلاغ این دستور ظرف ۱۰ روز به دادگاه تجدیدنظر استان شکایت کند و محکمه تجدیدنظر نیز در تمام موارد خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌دهد.

۱۶- ماده ۱۴۷ «قرار تامین باید به متهم ابلاغ شود. در صورتی که قرار صادره منتهی به بازداشت متهم گردد نوع قرار باید در برگ اعزام درج گردد. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی بازداشت شده باشد این جهت نیز در برگ اعزام قید می‌گردد.»

نکات برجسته این ماده در مورد حقوق متهم و رعایت آن این است که کلیه قرارهای تامین کیفری بایستی الزاما به متهم ابلاغ شود و در صورتی که قرار تامین صادره منجر به بازداشت وی شود این نکته هم بایستی الزاما در برگ اعزام به بازداشتگاه قید گردد.

همچنین اگر صرفا دلیل بازداشت جلوگیری از تبانی متهم باشد حتما باید این مورد در متن برگ اعزام به بازداشتگاه ملحوظ شود.

۱۷- ماده ۱۶۵ «هرگاه حضور متهم در محل تحقیقات ضروری باشد یا متهم تقاضای حضور در محل را داشته و در بازداشت به دستور قاضی تحت‌الحفظ در محل حاضر خواهد شد.» با توجه به ماده ۱۶۴ همین قانون اگر برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم یا سوابق زندگی وی تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردی که متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد کرده باشند و یا قاضی تحقیق از اهل محل را لازم بداند اقدام به تحقیقات محلی خواهد کرد که در این صورت متهم بر اساس ماده ۱۶۵ حق دارد در محل تحقیقات حاضر شود و حتی اگر در بازداشت باشد به دستور قاضی می‌بایستی با رعایت موارد امنیتی و حفاظتی در محل حاضر شود و این از حقوق متهم به شمار می‌آید.

مبحث سوم: حقوق متهم در اصلاحیه مهرماه ۱۳۸۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳):

لازم به ذکر است که در اصلاحات ۱۳۸۱/۷/۲۸ در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مجموعا موارد اصلاحی به شرح ذیل می‌باشد؛ مواد ۳، ۴، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۳۸ مورد اصلاح قرار گرفتند و تبصره‌های اصلاحی نیز عبارتند از؛ تبصره‌های ۲ و ۳ ذیل ماده ۳ اصلاحی، تبصره ۱ ذیل ماده ۱۴ اصلاحی، تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ ذیل ماده ۲۲ اصلاحی و همچنین تبصره‌های الحاقی نیز؛ تبصره‌های ۴، ۵ و ۶ به ماده ۳ اصلاحی، تبصره الحاقی به ماده ۴ اصلاحی، تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ذیل ماده ۱۳ اصلاحی، تبصره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ به ماده ۲۰، بند ج الحاقی

به ذیل بند ۱ ماده ۲۶ می‌باشند و یک ماده تحت عنوان ماده ۳۹ نیز به این قانون اضافه شده است. حقوق متهم در این اصلاحات که در جریان تحقیقات مقدماتی در دادسرا در نظر گرفته شده در پنج مورد به شرح ذیل می‌باشد؛ بندهای ح، ط، ک، ل و قسمت دوم بند ن ذیل ماده ۳ اصلاحی که تفصیل آن در ذیل می‌آید؛

۱) مطابق بند ح ذیل ماده ۳ اصلاحی بازپرس با رعایت شرایط مقرر در این بند می‌تواند در جریان تحقیقات مقدماتی پس از تفهیم اتهام اقدام به صدور قرار بازداشت موقت برای متهم نماید و در صورت صدور این قرار و موافقت دادستان با آن هر گاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می‌تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال کند ولی به هر حال متهم حق دارد هر ماه یک مرتبه این درخواست را مطرح کند و از این حق اعتراض استفاده کند.

۲) بر اساس بند ط ذیل ماده ۳ اصلاحی در صورتی که در نتیجه صدور قرار تامین کیفری متهم در بازداشت به سر برد اول در جرائمی که محاکمه آن در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد تا ۴ ماه و در سایر جرائم تا ۲ ماه مرجع صادر کننده قرار تکلیف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم دارد مگر بنا به دلایل قانونی بقا قرار را احراز کند. و ثانیاً در صورت عدم فک یا تخفیف قرار تامین و ابقاء بازداشت، متهم حق دارد از این تصمیم بازپرس ظرف ده روز پس از ابلاغ حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت کند، ثالثاً موارد مطرح شده حسب مورد هر ۴ ماه یا ۲ ماه یک بار قابل اعمال می‌باشد و رابعاً در هر صورت مدت بازداشت متهم نمی‌تواند از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید.

۳) در بند ک ذیل ماده ۳ اصلاحی نیز دو نکته در باب حقوق متهم قابل توجه می‌باشد؛ اول آنکه پس از پایان یافتن تحقیقات مقدماتی بازپرس مکلف است آخرین دفاع متهم را نیز استماع کند لذا الزاما می‌بایستی این حق متهم را کتبا در پایان تحقیقات به او اعلام و ابلاغ کند و دوم آنکه اگر متهم در آخرین دفاع از خود دلیل موثری بر کشف حقیقت ابراز کند بازپرس مکلف است تا به آن رسیدگی نماید.

۴) هرگاه متهم در بازداشت باشد و پس از ختم تحقیقات مقدماتی تصمیم قضایی قاضی منجر به صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب گردد و دادستان نیز با این قرارها موافقت کند فوراً و بلافاصله متهم از بازداشت رها و آزاد می‌شود. اگرچه حق اعتراض برای شاکی خصوصی وجود داشته باشد و در نتیجه اعتراض مشارالیه پرونده جهت رسیدگی به اعتراض به دادگاه ارسال شده باشد. که در بند ل ذیل ماده ۳ اصلاحی به این مهم اشاره شده است.

۵) بند ن ذیل ماده ۳ اصلاحی به قرارهای قابل اعتراض اشاره دارد که بر اساس بند ۲ ذیل این بند متهم حق دارد تا به قرارهای عدم صلاحیت، بازداشت موقت، تشدید تامین و تامین خواسته اعتراض کند که این اعتراض حسب مورد در دادگاه صالحه مطرح و دادگاه نیز در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به آن رسیدگی و تصمیم متخذه نیز قطعی خواهد بود.